دریچه

با اعلام در کمیک‌کان
## «باب اسفنجی» ۲۵ ساله شد

**همدلی|** مارک همیل به «فیلم باب اسفنجی: جستجوی شلوار مکعبی» می‌پیوندد.به نقل از ورایتی، نیکلودئون در جشـــن گرفتن بیست و پنج ساله شدن «باب اسفنجی شـــلوار مکعبی» در کمیک کان امســـال در سن دیگو، خبرهای جدیـــدی داد.در این رویـــداد مارک همیل با حضوری غافلگیرکننده فاش کرد که در چهارمین فیلم باب اسفنجی با عنوان «فیلم باب اسفنجی: جستجوی شلوار مکعبی» که سال ۲۰۲۵ راهی سینماها می‌شود، صداپیشگی هلندی پرنده را ایفا می‌کند. وی از این نقش به‌عنوان نقشی متفکرانه‌تر و از نظر فکری چالش برانگیزتر یاد کرد.در این داســـتان باب اسفنجی پس از پشت سر گذاشـــتن وظیفه به ظاهر غیرممکن آقای کراب برای دستیابی به یک اسپاتول هیدرودینامیکی به شغل رویایی خود می‌رســـد.در این رویداد صداپیشگان این انیمیشن محبوب شـــامل تام کنی (باب اسفنجی)، بیل فاگرباکه (پاتریـــک)، کارولیـــن لارنس (ســـاندی)، راجر بامپس (اسکایدوارد)، کلنسی براون (آقای کرابس) و آقای لارنس (پلانکتون) روی صحنه رفتند تا در یک میز زنده شرکت کنند.فاگرباکه که ۲۵ سال بازی در نقش ستاره دریایی کم هوش را انجام داده به تماشـــاگران گفت: مثل یک مهمانی بزرگ است و من خیلی لذت می‌برم و به کودک ۷ ساله درونم اجازه می‌دهم تا بدود.لارنس هم فاش کرد که نزدیک بود نقش پلانکتون را از دســـت بدهد و برای جایگاهش جنگید، زیرا قصد این بود که یک سلبریتی آن شخصیت را ایفا کند.«باب اسفنجی شلوار مکعبی» اولین بار در تابستان ۱۹۹۹ توسط نیکلودئون به نمایش درآمد و به سرعت تبدیل به یکی از موفق‌ترین سریال‌های انیمیشن تمام دوران شد. این نمایش که توسط استفان هیلنبرگ ساخته شـــده درباره اسفنجی خوش شانس و قهرمان اســـت که داخل یک آناناس زیر دریا زندگی می‌کند و سعی دارد در امتحان مدرسه قایق سواری قبول شـــود و شکست می‌خورد و به عنوان یک آشپز کار می کند و وقت خود را با دوستان رنگارنگش سپری می‌کند. تاکنون یک ســـریال در ۱۴ فصل از این انیمیشن پخش شـــده و پانزدهمین فصل آن هم تمدید شد. ۳ فیلم نیز برمبنای آن ســـاخته شده است که شـــامل «فیلم باب اسفنجی شلوار مربعی» در سال ۲۰۰۴، «اسفنج بیرون از آب» در سال ۲۰۱۵ و «اسفنج فراری» در سال ۲۰۲۰ می شـــود. ۲ سریال اسپین آف هم در همین حال و هوا ساخته شده است. بر اساس این شخصیت ها یک موزیکال هم سال ۲۰۱۷ در برادوی روی صحنه رفت که تحسین منتقدان و ۱۲ نامزدی تونی (از جمله یک برد) کسب کرد.

فرنوش عابدی کارگردان انیمیشن
## استقلال از بخش دولتی مانع مهاجرت نخبگان انیمیشن

**همدلی|** فرنوش عابدی کارگردان انیمیشـــن درباره وضعیت کنونی انیمیشـــن در کشـــورمان گفت: بحران اقتصادی در همه جای دنیا و بالطبع در ایران کمی بنیه انیمیشن را تضعیف کرده است. به خصوص در کشورهایی مانند ایران که عملاً بخش خصوصی وجود ندارد به‌غیر از معدود انیمیشن‌های تبلیغاتی یا مثلاً تیتراژ سریال‌ها و ... که با حمایت بخش خصوصی ساخته می‌شوند. در این شرایط چه خوشمان بیاید و چه نه دولت و در راس آن مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی با امید به تاسیس بنیاد ملی پویانمایی بزرگترین حامی انیمیشـــن هنری و تجاری در کشور ما هستند. طبیعتاً در این شرایط قدبلندترها سرشان از آب بیرون است اما ممکن است آن‌ها نیز دوام زیادی نداشته باشند.او افزود: اکنون کسی توان ساخت پروژه‌های بزرگ را بدون کمک دولتی ندارد. معدود آثار کوتاه ارزان قیمتی پیش‌تر ساخته شده است که البته برای تولید همان آثار نیز اکنون باید هزینه‌های گزافی پرداخت کرد. راهکار برون رفت از این مشـــکل قطعاً نگاه به بیرون از ایـــران با توجه به نیروی ارزان و متخصص در داخل ایران اســـت. اکنون ساخت پروژه‌های مشترک با سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی کشـــور خیلی در دسترس نیست. البته معدود افرادی با لینک‌های غیرمستقیم در کشورهای همسایه مانند ترکیه، عمان و روسیه تااندازه‌ای اتفاقات خوبی را رقم زده‌اند که استثنا است و نه قاعده. ما نیز می‌دانیم که به استثنا خیلی امیدی نمی‌توان بست و جریان‌سازی یعنی شکستن دایره استثنائات. کارگردان انیمیشن «ملکوت» با اشاره به لزوم استقلال انیمیشن کشور از بخش دولتی گفت: استقلال انیمیشن ما از بخش دولتی و درآمدزایی عملاً جلوگیری از مهاجرت نخبگان را در پیش دارد و در ادامه به دست آوردن سهمی از بازارهای جهانی و اعتمادسازی و کاهش ریسک برای شرکت‌های خارجـــی را برای ما به ارمغان می‌آورد. البته هنوز اعتقاد دارم مانند بسیاری از کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی یا حتی روسیه و کانادا حمایت دولتی باید همچنان پابرجا بماند مانند المپیـــک و ورزش های قهرمانی که از پول مردم هزینه می کنند، حتی اگر بدون بازگشـــت مالی و فقط برای غرور ملی و فرهنگی و اعتبار جهانی برای آن کشور باشد.در جشنواره‌های مختلفی که در کشورهای خارجی شرکت کرده‌ام رویکرد و نگاه هنرمندان، مدیران و مسئولان مربوطه به فیلمسازان و آثار ایرانی بسیار خوب و قابل احترام بوده اســـت؛ از حق پخش‌های قابل توجه گرفته تا بحث داوری کردن. دادن حق پخش حتی برای یک‌بار نمایش فیلمتان به نوعی عزت و احترام به خودتان و اثر هنری‌تان اســـت که البته در مقیاسی بزرگ حتی درآمد قابل توجهی به همراه خواهد داشت.

بدعت غلطی که در تئاتر گذاشته می‌شود
# نبرد رستم و سهراب یا نبرد با تئاتر!

**همدلی|** این روزها ســـامانه فروش بلیت نمایش «نبرد رستم و سهراب» بهای ۵۹۰ تـــا یک میلیون ۳۵۰ هـــزار تومانی را برای این نمایش تعیین کرده اســـت؛ قیمتی که به طور حتم برای گروه سودآور ولی بدعتی غلط در تئاتر است.

رونـــد تولید یک اثـــر نمایشـــی هزینه‌بر اســـت و گروه‌های نمایشـــی با هزینه‌های بالایـــی بـــرای تولید اثر نمایشـــی مدنظر خود مواجه هســـتند. هیچ‌گاه ســـاز و کار درست و مشخصی از ســـوی متولی تئاتر برای حمایت از گروه‌های نمایشـــی جهت تأمین بخشـــی از هزینه‌های تولید وجود نداشـــته و اگـــر پرداخـــت کمک‌هزینه به گروه‌های نمایشی هم متوقف شود تأثیری در مشـــکلاتی که برای گروه‌ها وجود دارد ایجاد نمی‌کند زیـــرا مبالغ کمک‌هزینه‌ها بسیار ناچیز است.

از دوره‌ای در تئاتـــر ایـــران با ســـوق‌دادن گروه‌ها به ســـمت تئاتـــر خصوصی، دولت وظیفه حمایتی خود را از دوش برداشـــت و گروه‌هـــا را برای تأمیـــن هزینه‌های خود به سمت فروش گیشه ســـوق داد. این امر باعث شد تا برخی گروه‌های نمایشی با هر ترفندی شده مردم را به سمت سالن اجرای نمایش بکشانند تا بتوانند به فروشی بالا در گیشه دست پیدا کنند.

در کنار ایـــن روند معیوب و مخرب، متولی دولتـــی تئاتـــر هـــم هیچ‌گونه ســـاز و کار مشخصی برای تعیین بهای بلیت نمایش‌ها ایجـــاد نکرد و همین امر باعث شـــد برخی گروه‌هـــا با توجه به اســـتفاده از چهره‌های بازیگـــری در نمایـــش خـــود و همچنین یدک‌کشـــیدن واژگانـــی چون «کنســـرت نمایش» و «تئاتر موزیکال»، بهای بلیت را بالا ببرند.

این اتفـــاق بیش از یک دهه اســـت که در تئاتر ایران رخ می‌دهد و باعث شکل‌گیری نوعی تئاتر تجاری بی‌هویت شـــده است که نه تنها تأثیری در رشـــد فرهنگی و هنری جامعه ندارد بلکه ســـطح ســـلیقه مخاطب را هـــم پایین می‌آورد و باعث می‌شـــود که مخاطب به صِرف دیـــدن چهره‌های مطرح مـــورد علاقه خود با پرداخـــت بهای بالای بلیت به تماشای آن اثر یا آثار بنشیند.

***روند سرســـام‌آور بلیت کنســـرت نمایش‌ها در سال ۱۴۰۳**

اوایل تیر ســـال جـــاری بود که کنســـرت نمایش «ســـیصد» در مجموعـــه فرهنگی ســـعدآباد تهران روی صحنـــه رفت و بهای بلیـــت خـــود را ۶۷۵ تا ۸۹۰ هـــزار تومان تعیین کرد.

این روزها حسین پارســـایی نیز که مدعی تولیـــد و اجرای تئاترهای موزیکال اســـت، قصد دارد نمایش «نبرد رســـتم و سهراب» را در اســـتادیوم بین‌المللی تنیس مجموعه ورزشـــی انقلاب روی صحنـــه ببرد. اجرای این نمایش از ۱۰ مرداد آغاز می‌شـــود اما نکته قابل تأمل درباره این اجرا، بهای بلیت تعیین‌شده برای نمایش است.

در سایت فروش بلیت این اثر نمایشی بهای بلیت‌ها از ۵۹۰ تا یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومان تعیین شـــده است، بهایی که نه تنها از بهـــای بلیت تمام تئاترهای تولیدشـــده بالاتر اســـت بلکه رکورد گرانـــی بلیت را از کنسرت‌های موسیقی پاپ نیز ربوده است. مشخص نیســـت چرا یک گروه نمایشی به تنهایی می‌تواند صرف استفاده از چهره‌های بازیگری، با توجیه ســـاخت دکور آنچنانی و اجرا در فضایـــی غیرمتعارف در مجموعه ورزشـــی لاکچری باشـــگاه انقلاب تهران، قیمـــت بلیت اثر خود را بـــه دلخواه تعیین کند.

ایـــن در حالی اســـت بضاعت مالـــی اکثر مخاطبان تئاتر با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بـــر جامعه پاســـخگوی چنین بهای بلیت‌هایی نیست و طبقه خاصی از اجتماع به تماشای این آثار می‌نشینند.

***روند قیمت‌گـــذاری بلیت‌های آثاری که حسین پارسایی به صحنه برد**

نکتـــه قابل تأمل این اســـت که حســـین پارســـایی روزی مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشـــاد اســـلامی بود و با تمام شرایط و مشکلات تئاتر ایران آشنایی داشـــت ولی بعد از کنار گذاشـــته شدن از صندلـــی مدیریت تئاتـــر و حضور مقطعی در مدیریت ســـینمایی، به سراغ تولید آثار نمایشی یا به قول خود تئاتر موزیکال رفت. او در سال ۱۳۹۶ نمایش «الیور توییست» را با حضـــور چهره‌های بازیگـــری در تالار وحدت روی صحنه برد و بهای بلیت اجرای خود را در آن مقطع زمانی ۴۰ تا ۱۴۰ هزار تومان تعیین کرد.

پارسایی در سال ۱۳۹۷ نمایش «بینوایان» را بار دیگر با حضور چهره‌های بازیگری در ســـالن رویال هتل اســـپیناس روی صحنه بـــرد و بهای بلیت آن اجرا هم در آن مقطع زمانی ۵۵ تا ۱۸۵ هزار تومان تعیین شد. به نقل از مهر، نکته قابل توجه این است که بهای بلیت هر ۲ نمایش «الیور توییســـت» و «بینوایـــان» در دوران خود بهای بالایی بودند و به همیـــن خاطر با اجرای این آثار واژه «تئاتر لاکچـــری» پررنگ‌تر از قبل در تئاتر ایران مطرح شد.

او از اردیبهشـــت ســـال ۱۴۰۲ نمایـــش «هفت‌خوان اســـفندیار» را باز هم با حضور بازیگـــران چهره در تالار وحدت اجرا کرد و بهای بلیت این اثر نمایشـــی نیز از ۱۲۰ تا ۳۶۰ هزار تومان بود. البته به طور حتم اگر سازمان هنری رسانه‌ای اوج حامی این اجرا نبـــود، بهای بلیت‌های این تئاتر بیشـــتر از مقدار تعیین‌شده لحاظ می‌شد.

با گذشت تنها یک ســـال حسین پارسایی یک رکوردشکنی مثال‌زدنی در تعیین بهای بلیت نمایش‌های خود داشته است و حدود ۴ برابر بالاتر از اجرای ســـال گذشته خود بلیت‌ها را قیمت‌گذاری کرده است.

درست اســـت که هزینه تولید آثار نمایشی آن هم تولیداتی که حسین پارسایی مدنظر داشته و دارد بالاست و می‌خواهد به عنوان کارگردان پروژه‌های سنگین تئاتر در ایران شناخته شـــود، اما نباید فراموش کنیم که مخاطبان تئاتر به دلار حقوق نمی‌گیرند که توانایـــی پرداخت چنین بهای بلیت تئاتری را داشته باشند.

***به صدا درآمدن زنگ خطر برای تئاتر ایران**

اینکه فـــروش بلیت روز اول ایـــن اجرا به پایان رسیده و متقاضیان برای خرید بلیت روزهای آینـــده اجرا نیز صف کشـــیده‌اند نشانگر آن نیست که مخاطبان تئاتر توانایی خرید بلیت‌هایی با ایـــن بهای بالا را دارند بلکه بیانگر آن اســـت که بخش اعظمی از این مخاطبان از افـــراد دارای توانایی بالای مالی هستند و همین امر باعث می‌شود که قشر تئاتربین پایتخت و استان‌های دیگر به صورت خودکار از طیـــف مخاطبان این اثر نمایشی کنار گذاشته شوند.

شـــاید برای ایـــن افزایش بی‌رویـــه بلیت نباید تنها حسین پارســـایی را مقصر تمام و کمال دانســـت بلکه باید این انتقاد را به وزارت فرهنگ و ارشـــاد اسلامی به عنوان متولی فرهنـــگ و هنر وارد کـــرد که چرا هیـــچ ضابطه‌ای برای جلوگیـــری از چنین روندهایی در تئاتر ایـــران وجود ندارد؟ آیا شعار «تئاتر برای همه» که طی دولت‌های مختلـــف مطرح شـــده و همیشـــه وزرای فرهنگ و ارشـــاد اســـلامی دم از داشـــتن دغدغه بردن تئاتر به میان مردم و قراردادن آن در سبد فرهنگی خانوار می‌زدند، به این شکل محقق می‌شود؟

قیمت بالای تعیین‌شـــده بـــرای بلیت‌های نمایـــش «نبـــرد رســـم و ســـهراب» با هر توجیهی که باشد، زنگ خطری برای تئاتر ایران اســـت زیرا دیگر گروه‌هـــای تئاتری نیز خود را محـــق می‌دانند که این روند را پیش بگیرند و این امر باعث آســـیب‌دیدن تئاتر، خالی‌شـــدن آن از کیفیت و محتوا و حذف‌شدن مخاطبان و علاقه‌مندان به تئاتر می‌شود.

دادگاه مهاجمان نقاشی «ون‌گوگ» را محکوم کرد
# حبس برای فعالان محیط زیست!

**همدلی|** دو فعـــال از یک گروه اعتراضی محیط زیستی پس از پرتاب سوپ گوجه فرنگـــی به نقاشـــی «گل آفتابگردان» اثر «وینسنت ون‌گوگ» مجرم شناخته شدند. دو فعال محیط زیســـتی که در اکتبر سال ۲۰۲۲ دست‌هایشان را با چسب به دیواری در گالـــری ملی لنـــدن که تابلو نقاشـــی «گل‌های آفتاب گـــردان» اثر «ون‌گوگ» روی آن نصب شده بود، چسباندند و روی نقاشی ســـوپ گوجه فرنگی پرتاب کرده بودند، مجرم شناخته شدند.

«آرت‌نیـــوز» نوشـــت، مســـئولان گالری ملی لندن پیش‌تر اعـــلام کرده بودند که قاب طلایی این تابلو نقاشـــی بر اثر حمله اعتراضی اکتبر ســـال ۲۰۲۲ آسیب دیده است.

دادستان‌ها همچنین به دادگاه گفتند که قاب ایتالیایی قـــرن هفدهمی عتیقه این تابلو به خودی خود یک اثر هنری اســـت و ســـطح پتینه کاری شـــده آن در نتیجه اعتراض آسیب دیده است.

بر اســـاس حکم دادگاهی در لندن این دو معترض در ۲۷ سپتامبر به حبس محکوم خواهند شد.

حکم قاضـــی همچنین این بود که این دو فعـــال از هیچ گالری یا موزه بازدید نکنند و همچنین از حمل چســـب، رنگ یا سایر مواد چسبنده در اماکن عمومی خودداری کنند.

این گـــروه از افراد همچنیـــن پیش‌تر به نقاشـــی «مرگ و زندگی» اثر «گوســـتاو کلیمت» نقاش برجســـته اتریشـــی حمله کردنـــد و روی آن رنـــگ ســـیاه روغنی ریختنـــد. دو معتـــرض بـــر روی یکی از نقاشـــی‌های «امیلی کار» نقاش کانادایی که در «گالـــری هنر ونکـــوور» نگهداری می‌شـــود، شـــیره درخت افـــرا ریختند و دست‌هایشان را با چسب دیوار چسباندند. «جیغ» اثر «ادوارد مونک» که در «موزه ملی نروژ» واقع در «اســـلو» نگهداری می‌شود، نیز هدف حملـــه معترضان قرار گرفته بود. مجموعـــه تابلوهای مشـــهور «قوطی‌های ســـوپ کمبل» اثر «اندی وارهول» هنرمند نامـــدار آمریکایـــی کـــه در «گالـــری ملی اســـترالیا» نگهداری می‌شـــود نیز توســـط معترضان محیط‌زیستی خط‌خطی شده بود. دو فعال حوزه محیط زیســـت دستانشان را به قاب دو تابلو نقاشی اثر «فرانسیس گویا» که در موزه «پرادو» نگهداری می‌شـــود، با چسب چســـباندند. همچنین گروهی دیگر از فعالان روی شـــاهکار «ون‌گوگ» سوپ نخود فرنگی ریختند. «دختری با گوشواره مروارید»، شـــاهکار عصر طلایی «یوهانس ورمیر» در «موزه مائریتشـــویس» واقع در «لاهه» و نقاشی گران‌قیمت «کومه‌ها» اثر «کلود مونه» نیز هدف معترضان قرار گرفته بودنـــد. حتی «آفتاب‌گردان‌ها»ی مشـــهور «ون‌گـــوگ» نیز در امـــان نماندند و دو زن با حملـــه به تابلـــوی گران‌قیمت «گل‌های آفتاب‌گردان» روی آن سوپ گوجه فرنگی ریختند.

تابلو نقاشـــی «باغ هنرمنـــد در ژیورنی» اثر «کلود مونه» که در موزه ملی ســـوئد نگهداری می‌شـــود، نیز سوژه این گروه از معترضان بوده اســـت. پیش‌تر نیز دو زن در اســـتکهلم پس از پرتاب نوعی رنگ به نقاشـــی هنرمند فرانسوی «کلود مونه» و سپس چســـباندن دستان خود به قاب آن دستگیر شدند.

در جدیدترین مـــورد از مجموعه حملات معترضان محیط زیســـتی بـــه آثار هنری مشـــهور یک فعـــال محیط‌زیســـت برای چسباندن یک پوستر روی یکی از تابلوهای نقاشی «کلود مونه» نقاش نامدار فرانسوی در موزه «اورســـی» واقع در پاریس توسط پلیس دستگیر شد.

البته این نخســـتین‌باری نیســـت که این معترضان با عواقب حمله به شـــاهکارهای هنـــری مواجه می‌شـــوند. چنـــدی پیش معترضان محیط زیســـتی که دست‌های خود را با چســـب به تابلو نقاشی «رافائل» چسبانده بودند، به پرداخت جریمه نقدی محکوم شـــدند. همچنین دو فعال محیط زیســـتی که گفته می‌شود در گالری ملی هنـــر واشـــنگتن دی‌ســـی روی محفظه شیشـــه‌ای مجســـمه «رقصـــنده کوچک چهـــارده ســـاله» ســـاخته «ادگار دگا»، هنرمند فرانسوی قرن نوزدهم رنگ مالیده بودند، بازداشـــت و با اتهامات فدرال روبرو شدند.

دو معتـــرض محیط‌زیســـتی که بـــه تابلو نقاشـــی «گاری علوفه» مشـــهورترین اثر هنـــری «جان کانســـتبل» در گالری ملی لندن حمله کـــرده بودند برای وارد کردن بیـــش از ۱,۰۰۰ پونـــد خســـارت به این نقاشـــی به پرداخت جریمه محکوم شدند.

همچنیـــن دو فعال محیط زیســـتی اهل بلژیک که سال گذشته به نقاشی «دختری با گوشواره مروارید» اثر «یوهانس ورمیر» حمله کرده بودند، در یک دادگاه واقع در هلنـــد به دو ماه حبـــس و یک ماه حبس تعلیقی محکوم شدند.

رویداد

مدیر نمایندگی ستاد دیه استان کرمان:
## کمک ۳۰۰ میلیونی محسن چاوشی باعث آزادی ۲۰ زندانی شد

همدلی| مدیر نمایندگی ســـتاد دیه استان کرمان گفت: محســـن چاووشی، خواننده مطرح کشورمان در اقدامی خداپســـندانه مبلغ ۳ میلیـــارد ریال را جهت آزادی زندانیان جرائم غیرعمد، به ســـتاددیه استان کرمان اهدا کرد.

سیدحجت‌الله موســـوی قوام صبح یکشنبه در این رابطه اظهار کرد: محسن چاوشی در سنوات گذشته از طریق صفحه شـــخصی خود در فضای مجازی، با جمع آوری کمک‌های مردمی زمینه آزادی تعدادی از محکومان مالی غیرعمد را فراهم کرده است.

او افـــزود: در حال حاضر با کمـــک مبلغ ۳ میلیارد ریال توسط این خواننده، تعداد ۲۰ نفر از مددجویان غیرعمد استان از زندان‌های استان آزاد می‌شوند.

موســـوی قوام بیان کرد: هنرمند واقعی کسی است کـــه از هنر خود در راه کمک به همنوعان و شـــاد نمودن دل آنان استفاده می‌کند.

یادآوری می‌شـــود محســـن چاوشـــی که ســـوابق متعـــددی در کمک بـــه آزادی زندانیـــان غیرعمد کرمـــان را در کارنامه خـــود دارد، کمپین حمایتی تحت عنوان جمعیت حیدر ایجاد کرده است.

ایـــن خواننـــده مردمـــی در این کمپیـــن با جلب کمک‌های مردمـــی و خیّران در فضـــای مجازی، زمینه‌ســـاز آزادی محکومان از زندان و بازگشـــت آبرومندانـــه آنان بـــه کانون گرم خانواده‌هایشـــان می‌شود.

طبق اعـــلام مدیر نمایندگی ســـتاد دیه اســـتان کرمـــان؛ مردم نوع دوســـت می‌تواننـــد کمک‌های خود بـــرای آزادی زندانیـــان جرایـــم غیرعمد به ۲۰۰۲ir۵۹۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۶۰۰۲۶ شـــماره شبا بانک ملی به نام ستاد مردمی دیه استان کرمان واریز کنند.

همچنین شمار حساب ۰۲۰۰۶۰۰۲۶۲۰۰۲ ستاد مردمی دیه و یا ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۹۷۴۲۰۲ شـــماره کارت ستاد دیه جهت کمک به آزادسازی زندانیان جرایم غیرعمد در استان کرمان در نظر گرفته شده است.

به دعوت دبیر رویداد انجام شد
## هنرمند ایرانی با یک اثر در نمایشگاه و جایزه سالانه واستو ایتالیا

همدلـــی| محمدعلـــی فاموری هنرمنـــد ایرانی در نمایشـــگاه و جایزه سالانه واســـتو در ایتالیا حضور دارد. او در بین ۱۲ هنرمندی اســـت که به دعوت آنتونیو زیمارینو دبیر این نمایشگاه و جایزه سالانه به این رویداد عرصه هنر معاصر دعوت شده است.

هنرمندانی که در این جایزه و نمایشـــگاه ســـالانه حضور دارند، شامل لوسیلا کاندلورو، برونو سکوبلی، مالیـــه دارکی، پائولو دلالچه، جیانی دســـی، ماریلو استاشـــیو، محمدعلـــی فاموری، آنـــدره آ فوگلی، الیســـا گارافا، اوگو گیلتا، ایگناسیو لاماس و جوزپه سالواتوری هستند.

محمدعلی فامـــوری درباره اثـــرش در این رویداد به مهر گفـــت: من با یک اثر ویدیـــوآرت با عنوان «مرکابا» در این نمایشگاه شـــرکت کرده‌ام. ویدئو آرت «مرکابا» در فضایی انتزاعی، شش روز نخست خلقت را به تصویر می‌کشد.

در بخشـــی از توضیح رویداد واســـتو که همواره با هدف برجسته کردن هنرمندان جدید و نوظهور در ایتالیا دایر می‌شـــود، آمده است: «هنرمندان اینجا هســـتند تا «ردپایی» به ما ارائـــه دهند که جلوتر برویـــم، به دنبال راه‌هایی بگردیم و «زمان» خود را به سمت درون سوق دهیم.»

این رویداد که در تابستان ۱۹۵۹ آغاز شد، یکی از قدیمی‌ترین رویدادهایی اســـت که با هدف تکامل ســـیر هنر ملی و گســـترش دانش آن در سراســـر منطقه متولد شده اســـت. اولین دوره جایزه واستو به نقاشان پرآوازه در آن زمان تقدیم شده بود. این مهم در ۲ نشســـت هنری با ماهیتی غیرمعمول و مجموعـــه‌ای قابل توجه از نمایشـــگاه‌های گروهی همراه شـــد. از سال ۱۹۷۵، جایزه در قامت مسابقه هنری به یک نمایشگاه هنری با کیفیت تبدیل و به منتقدان بسیار مهم سپرده شد. از جمله آن‌ها کافی است به گوتزی، بیاسیون، کارلوچیو، سالا، د سانتی، ماسچرپا و د میشلی اشاره کنیم. سیمونگینی، دی مارتینو، کارلی، ســـریتلی و کریسپولتی نیز از دیگر منتقدان این نمایشگاه به‌شمار می‌روند.

محمدعلی فاموری دانش آموخته مقطع کارشناسی عکاسی از دانشـــگاه هنر تهران و کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی است. از ســـال ۲۰۰۶ میلادی تجربه حضور در ۴۰ نمایشگاه گروهی بین المللی از جمله نمایشگاه معماری هویت در گالری پلازا کازانواردی ونیز ایتالیـــا و پروژه آرت باکس بازل ســـوئیس را دارد. وی، مجموعـــه منطقه هیپنوتیک را در اولین نمایشـــگاه انفرادی خـــود روی دیوارهـــای گالری سیحون تهران در ســـال ۲۰۱۷ به نمایش گذاشته اســـت. او همچنین کیورتیور اولین نمایشگاه گلیچ ایران باحضور ۲۷ آرتیست بین المللی است که در سال ۱۳۹۹ در گالری باوان به نمایش درآمد.